



بررسی اجمالی اصول و مبانی فقهی فدیة از منظر قرآن کریم و منابع اسلامی

مأئده مدرسی عاصم

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

Modaresi.bme@gmail.com

دکتر محمد هرندی

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

دکتر رحمت فرحزادی

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

۱

چکیده

فدیة، برای حفظ انسان از گرفتاری بوسیله چیزی به نام عوض است. چراکه هر یک از این کارها برای عوض کاری است که در واقع باید انجام گیرد، ولی شخص با دادن عوض، خود را از اصل انجام عمل و یا آثار و تبعات آن خود را در امان قرار می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید، گناهکاران حاضرند تا به جای رفتن به دوزخ فرزندان خویش را فدیة دهند و عوض قرار دهند، تا این گونه از آتش دوزخ برهند و یا اینکه برخی حاضرند تا برادران خویش را برای نجات خود از عذاب در قیامت فدیة قرار دهند، در حالی که خداوند متعال همه ی این موارد را مردود می‌داند و به عنوان فدیة و عوض نمی‌پذیرد. زیرا هیچ چیزی نمی‌تواند فدیة و عوض و جایگزینی برای ایمان و عمل صالح در آخرت باشد. این مقاله به بررسی اجمالی اصول و مبانی فدیة از منظر قرآن کریم و منابع اسلامی، بطور اختصار می‌پردازد.

کلید واژگان: فدیة - مال پرداختی - عوض - جایگزین



۱- مقدمه

فدیه از احکام اسلامی است که در موارد گوناگون از جمله باب: حج - خلع و مبارات - جهاد - صوم - قصاص، کاربرد دارد. بطور مثال در باب جهاد، فدیه در حقیقت عوض خون است. در باب حج، قربانی و تذخیه در مراسم و آیین حج به معنای فدیه خواهد بود. زیرا در داستان ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) که فرمان ذبح اسماعیل(ع) از سوی خداوند به حضرت ابراهیم(ع) ابلاغ گردید، به فرمان خداوند متعال، قوچ به عنوان فدیه و خون بهای اسماعیل(ع) مقرر گردید. بطور کلی فدیه به معنای مال پرداختی بر آزاد سازی اسیر یا زندانی [۱] و یا برای رهایی از هر مشکلی، از قبیل دفع دزد یا شر هر ستمگری پرداخت می‌شود، اطلاق گردیده است [۲]. همانطور که بیان شد فدیه، برای حفظ انسان از گرفتاری بوسیله چیزی به نام عوض است [۳]. فدیه در مواردی، برای دادن عوض پذیرفته است، ولی به قصد رهایی از مشکلات و گرفتاریها در قیامت امری محال است؛ برای کسی که در قیامت می‌خواهد فدیه دهد تا خود را با دادن عوض، از دوزخ و اسارت و بردگی روز قیامت نجات دهد، پذیرفته نمی‌شود. بخش دوم این مقاله، به معنا و مفهوم فدیه از لحاظ لغوی و فقهی می‌پردازد. بخش سوم این مقاله نیز مصادیق قرآنی و فقهی فدیه را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و در نهایت در بخش چهارم، نتایج ارزیابی‌های بدست آمده، ارائه می‌گردد.

۲- معنای لغوی فدیه

فدیه، حفظ انسان از گرفتاریها و ناگواری بوسیله چیزی است که عوض آن می‌دهد [۷]. فدیه در لغت، به معنای مال پرداختی برای آزاد سازی اسیر یا زندانی است [۸] و گاهی نیز در معنای آن توسعه داده شده و بر هر مالی که برای رهایی از مشکلی از قبیل دفع دزد یا شر ستمگری پرداخت می‌شود، اطلاق گردیده است [۹].

۲-۱ تعریف فقهی و اصطلاحی فدیه

فدیه در اصطلاح فقهی اش، از فداء، به معنای بدل که به واسطه آن، انسان از امر مکروه رهایی می‌یابد استخراج گردیده و عوض از خون بوده که در اسلام با گرفتن فداء، از قتل برخی از اسیران جنگی منصرف می‌گردیدند، می‌باشد [۱۰]. در اصطلاح فقها مقصود از فدیه، مالی معین است که برای جبران عبادت فوت شده از روی عمد و یا جبران خطا و یا عقوبت بر ارتکاب بعضی محرمات واجب گردیده است و نیز برای عوض مالی که برای رهایی اسیر پرداخت می‌شود [۱۱].

۲-۲ فلسفه فدیه

با تأمل و نگرش دقیق به مسئله فدیه و نحوه جواز دادن و گرفتن آن می‌توان دریافت که انسان فدیه می‌دهد تا از اسارت و بردگی رهایی یابد [۱۲] و یا فدیه برای رهایی از عقد ازدواج و جواز گسستن آن از سوی زن که طلاق خلع نامیده می‌شود، می‌باشد [۱۳] و یا اینکه برای جبران عدم انجام و عمل واجبی است [۱۴] و یا پرداخت می‌شود برای جبران عملی اشتباه و خلاف حکم اسلام [۱۵].



یکی از پرکاربردترین مصادیق فدیة، دادن مالی برای نجات و رهایی اسیران جنگی است [۱۶]. در همه این موارد، فدیة برای حفظ انسان از گرفتاری و ناگواری به وسیله چیزی به نام عوض است. زیرا هر یک از این موارد برای عوض کاری است که در واقع باید انجام گیرد ولی شخص با دادن عوض، خود را از اصل انجام عمل و یا آثار و تبعات در امان قرار می‌دهد.

قرآن کریم در آیات متعددی نسبت به وجود عوض و فدیة، در قیامت برای اعمال و عقایدی که می‌بایست انسان در دنیا بدان ایمان آورد و انجامش دهد، هشدارهای فراوانی داده است و همواره متذکر شده که انسان باید ایمان و عمل صالح را در دنیا برای خود فراهم آورد تا در قیامت از آن بهره‌مند گردد و برای او جایگزینی برای ایمان و عمل صالح در آخرت نخواهد بود. همچنین خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: گناهکاران حاضرند تا به جای رفتن به دوزخ، فرزندان خویش را فدیة دهند و عوض قرار دهند، تا این گونه از آتش دوزخ رهایی یابند [۵ و ۴]. بر این اساس هر کسی می‌بایست برای نجات و رهایی خویش از آتش دوزخ و قیامت در همین دنیا به ایمان و عمل صالح مجهز گردد و با این کار در دنیا فدیة تدارک ببیند، چراکه هیچ چیزی و هیچ عملی نمی‌تواند فدیة ایمان و عمل صالح در قیامت قرار گیرد [۱۷ و ۶].

۳- مصادیق قرآنی و فقهی فدیة

در قرآن کریم و سایر منابع فقهی معتبر، از فدیة در بابهای فقهی شامل: حج- خلع و مبارات - جهاد - صوم - قصاص سخن به میان آمده است. در این بخش از مقاله، به اختصار به ارزیابی هر یک از موارد مذکور، می‌پردازیم.

۳-۱ فدیة در باب حج

از مواردی که فدیة به آن اشاره دارد مسئله حج است. خداوند متعال در قرآن از روزه، صدقه و یا قربانی به عنوان فدیة تراشیدن سر و ریش از قربانی در حج [۱۸]، در صورت بروز بیماری و عسر و حرج یاد نموده است [۱۹]. بدین معنا که چنانچه حاجی موی سر خود را پیش از قربانی کردن در حج تراشید، می‌باید بعنوان فدیة عمل خود، یکی از موارد اختیاری نظیر: روزه گرفتن، صدقه دادن، نسک و قربانی کردن، را انجام دهد.

۳-۲ فدیة در باب خلع و مبارات

خلع، طلاق دادن در مقابل فدیة زنی است که از شوهرش کراهت دارد. پس خلع یک قسم از طلاق است و جمیع شرایط گذشته طلاق در آن معتبر است و علاوه بر آنها، فقط کراهت زوجه از شوهر در این نوع از طلاق معتبر است. ولی اگر کراهت از دو طرف باشد "مبارات" است و اگر فقط از طرف شوهر باشد نه خلع است و نه مبارات [۲۰].
ظاهر آن است که چنانچه خلع با هر یک از دو لفظ خلع و طلاق - چه هر کدام آنها از دیگری مجرد باشد یا منضم به دیگری - واقع شود، پس از آنکه زوجه بذل فدیة را انشاء کرد تا زوج او را خلع نماید، جایز است که زوج بگوید "خلعتک علی کذا" یا "انت مختلعتک علی کذا" و به آن اکتفا می‌کند، یا پشت سر آن، قولش "فانت طالق علی کذا" را می‌آورد [۲۱].



در خلع، فدیة باید به مقداری باشد که هر دو به آن راضی باشند [۲۲]. فدیة در طلاق تا جایی جایز است که زن به شوهر خویش در مقابل طلاق او فدیة ای بدهد [۲۳]. البته این زمانی است که زن می‌ترسد بر خلاف حدود الهی رفتار شود. از ارکان طلاق خلع، پرداخت فدیة توسط زوجه در ازای دادن طلاق از سوی زوج است. بنابراین طلاق خلع، بدون فدیة صحیح نخواهد بود. این موضوع در طلاق مبارات، نیز صادق خواهد بود [۲۴].

۳-۳ فدیة در باب جهاد

آنچه مشرکان به عنوان فدیة برای رهایی از اسارت به حاکم اسلامی می‌دهند، غنیمت به شمار می‌رود [۲۵]. به قول مشهور، چنانچه در جنگ با کفار، پس از پایان نبرد، کافر بالغی به اسیری گرفته شود، حاکم اسلامی میان آزاد کردن وی در ازای دریافت فدیة، یا بدون آن و به بردگی گرفتن او مُخیر است [۲۶]. به تصریح برخی، در صورت تمکن و توانایی مالی، آزاد کردن اسیران مسلمانان در ازای پرداخت مال (فدیة) واجب است. علامه طبرسی می‌نویسد: امام مسلمانان میان آزاد سازی بدون فدیة یا با فدیة و یا به بردگی گرفتن آنان، مُخیر است [۲۷].

۴

۳-۴ فدیة در باب صوم

در موارد زیر برای هر روز افطار کردن (ترک روزه)، فدیة بمنزله پرداخت یک یا دو مد طعام (بنابر اختلاف دیدگاهها) بوده و واجب است به فقیر پرداخت گردد:

۱. پیرمرد یا پیرزنی که روزه گرفتن برای او مشقت بسیار شدید دارد.
۲. کسی که مبتلا به بیماری تشنگی است.
۳. زن بارداری که روزه گرفتن برای فرزندش و یا به قولی برای خودش زیان دارد.
۴. زن شیرده کم شیری که روزه برای نوزادش و یا - به قولی - برای خودش ضرر دارد [۲۸].
۵. کسی که به سبب بیماری نتوانسته روزه بگیرد و بیماری اش تا ماه رمضان آینده ادامه داشته، بنا بر قول مشهور قضای آن ساقط است. لیکن باید در ازای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیة بپردازد [۲۹].
۶. وجوب اعطای فدیة در صورت طاقت فرسا بودن روزه برای روزه دار را در آیاتی از جمله آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره مبارکه بقره، می‌توان بیان نمود. خداوند در آیات مذکور بیان نموده که روزه داران معذور برای هر روز که روزه نگرفتند می‌بایست یک مد طعام بدهند [۳۰].



۳-۵ فدیة در باب قصاص

اگر بعضی از اولیاء دم، دیه را بجای قصاص [۳۱] اختیار نمایند؛ لذا قاتل می‌باید آن را بپردازد و در صورتی که غیر او قصاص را بخواهد، قصاص ساقط نمی‌شود. پس دیگران بعد از آن که سهم دیه کسی را که جانی به او فدیة داده بر جانی رد نمایند، حق دارند قصاص نمایند، و فرقی نیست بین این که آنچه را که جانی پرداخته یا بر آن مصالحه نموده به اندازه دیه باشد یا کمتر یا بیشتر، پس در تمام این صور، مقدار سهم او از دیه به قاتل بر می‌گردد، خودداری کند برای کسی که قصاص می‌خواهد جایز است، مگر به اذن تمام آن‌ها، و اگر بعضی مجاناً عفو نمایند، قصاص ساقط نمی‌شود، پس بقیه حق قصاص (قود) دارند، البته بعد از این که سهم کسی را که عفو نموده بر جانی رد نماید [۳۲].

۴- نتیجه گیری

از آنچه بیان شد می‌توان گفت که پرداخت فدیة در قیامت امری محال است. با توجه به هشدارهای قرآنی نسبت به عدم وجود عوض و فدیة در قیامت، برای اعمال و عقایدی که می‌بایست انسان در دنیا بدان ایمان آورده و انجام دهد، این بدان معناست که انسان می‌بایست ایمان و عمل صالح را در دنیا برای خویش فراهم ساخته تا در قیامت از آن سود برد. لذا انسان هرگز نباید گمان کند چون در دنیا با پرداخت مال یا جایگزینی دیگر، می‌تواند خود را از اسارت و گرفتاری از مشکلات نجات دهد، در قیامت نیز می‌تواند با دادن فدیة و عوض، خود را از عذاب الهی در امان نگه دارد. چراکه تنها عامل رهایی و فدیة واقعی در آخرت، همان ایمان و عمل صالح وی در دنیا می‌باشد و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن در آخرت باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجمع البحرین، واژه ی فدا
۲. ماوراء الفقه-ج ۹-ص ۱۱۹
۳. مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۶۲۷
۴. سوره ی مبارکه ی معارج، آیه ۱۱
۵. سوره ی مبارکه ی معارج، آیات ۱۱ و ۱۲
۶. سوره ی مبارکه ی رعد، آیات ۱۶ و ۱۸- (زمر، آیه ۴۷) (حدید، آیه ۱۵) (یونس، آیه ۵۴)
۷. مفردات الفاظ قرآن کریم ص ۶۲۷
۸. مجمع البحرین، ذیل ماده فداء
۹. ماوراء الفقه، ج ۹، ص ۱۱۶
۱۰. فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۹۷



۱۱. سوره مبارکه ی بقره، آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۹۶ (سوره انفال، آیه ۷۰) (سوره محمد، آیه ۷)
۱۲. سوره مبارکه ی بقره، آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ و سوره انفال آیه ۷۰ و سوره محمد آیه ۴
۱۳. سوره بقره آیه ۲۲۹
۱۴. سوره ی مبارکه بقره آیات ۱۸۳ و ۱۸۴
۱۵. سوره ی مبارکه بقره آیه ۱۹۶
۱۶. المصباح الفیومی، در باب جهاد، ج ۱ و ۲، ص ۴۶۵
۱۷. سوره ی مبارکه رعد، آیات ۱۶ و ۱۸
۱۸. سوره ی مبارکه بقره آیه ۱۹۶
۱۹. سوره ی مبارکه بقره آیه ۱۹۶
۲۰. مسئله ۱، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، باب خلع و مبارات
۲۱. مسئله ۳، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، باب خلع و مبارات
۲۲. مسئله ۱۹ ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، باب خلع و مبارات
۲۳. سوره ی مبارکه بقره، آیه ۲۲۹
۲۴. الحدائق الناضره ج ۲۵، ص ۵۲۸ - مسئله ۱۹، ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی (ره)
۲۵. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۹۲
۲۶. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۹۲
۲۷. تذکره الفقها، ج ۹، ص ۲۶۹ - مجمع البحرین، ج ۹ و ۱۰، ص ۱۴۷
۲۸. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۵۲ - العروه الوثقی، ج ۳، ص ۶۲۷
۲۹. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۴ و ۲۵
۳۰. کافی، ج ۴، ص ۱۱۶، حدیث ۵
۳۱. قود: قصاص، کشتن
۳۲. مسئله ۱۶، ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی (ره)



منابع

- قرآن کریم
- الکافی، ثقه السلام کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق
- الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، علامه بحرانی، یوسف بن احمد، جامعه مدرسین حوزه ی علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، الفیومی
- ترجمه تحریر الوسيله، خمینی روح الله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) ۱۳۹۲
- تذکره الفقها، علامه حلی، حسن بن یوسف، موسسه آل البيت علیهم السلام
- جواهر الکلام، فی شرح شرائع السلام، محمد حسن بن باقر نجفی، ج ۲۱، چاپ عباس قوچانی، بیروت، ۱۹۸۱ م
- جامع المقاصد فی شرح المقاصد، محقق کرکی، علی بن حسین، ۴۱۰ ق، قم موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول
- مجمع البحرین، طریحی، فخرالدین بن محمد، محقق حسینی اشکوری، احمد، مکتبه المرتضویه، تهران، ایران ۱۳۷۵
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، فضل بن الحسن الطبرسی، ۴۶۸-۵۴۸ ق
- مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، دارالشامیه، بیروت، لبنان
- ماوراءالفقه، صدر، محمد، ج ۹، ناشر دارالضواء بیروت